روزنامه شرق

سه‌شنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵
۳۰ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
۱۰ نوامبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۵۲۳
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه



پزشکیان:

می‌توانیم با عزت گفت‌وگو و موضوع را تمام کنیم

۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: شهری که داستان در آن ریشه دارد • آیا نسل «زد» بی‌تفاوت است؟ • پرویز حبیب‌پور؛ هنرمندی خستگی‌ناپذیر/ زهرا کریمی

سرمقاله

مسلمانان در انتخابات آمریکا

از حاشیه‌نشینی تا عاملیت سیاسی



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین

موفقیت‌هایی که مسلمانان و عرب‌های آمریکایی‌ها در انتخابات اخیر به دست آوردند، نقطه عطفی در رابطه این جامعه با سیاست داخلی آمریکا و نهادهای نمایندگی در آن کشور به شمار رفته است. اگرچه قبلا نیز بخش‌هایی از این جامعه درگیر فعالیت‌های سیاسی بوده‌اند، اما این بار مشارکت گسترده‌ترشان تفاوت محسوسی با عملکرد گذشته آنها داشته است. حاصل این مشارکت راه‌یافتن یک مصری-آمریکایی به سنا و شش مسلمان دیگر به مجلس نمایندگان است. به گزارش شورای روابط آمریکایی-اسلامی (CAIR)، ۱۶۸ کاندیدای مسلمان که در انتخابات مقدماتی موفق بودند، در سطوح مختلف فدرال، ایالتی و محلی در انتخابات امسال شرکت کردند. بر پایه همین گزارش، ۱۱۲ نفر از آنها یا پیروز شدند یا از رقبایشان جلوتر هستند. این در حالی بود که آنها در مبارزات انتخاباتی از جانب جریان‌های افراطی راست هدف حمله قرار داشتند؛ تا آنجا که حتی ترامپ عبدل السید را که کاندیدای موفق سنا از میشیگان است، «جهادیست» و طرفدار گروه‌های تروریستی نامید.

در شرایطی که دیگر اقلیت‌ها در آمریکا موفقیت‌های درخشانی در اعمال نفوذ بر سیاست و حکومت در آمریکا داشته‌اند، کم‌توفیقی مسلمانان آمریکایی در استفاده از ظرفیت‌های جامعه خودشان همواره مورد بحث بوده است. در مقام مقایسه، در حالی که جمعیت یهودیان آمریکا (حدود ۶،۳ میلیون) و جمعیت مسلمانان آمریکا (۵،۷ میلیون) تقریبا برابر است، تعداد اعضای یهودی کنگره ۳۵ نفر است (۱۰ سناتور و ۲۵ عضو مجلس نمایندگان)، در حالی که تعداد مسلمانان در کنگره قبلی پنج نفر و همه عضور مجلس نمایندگان بودند. در مورد دلایل، صحبت از این است که مسلمانان آمریکا به لحاظ نسلی، ملیت قبلی، مذهب، موقعیت اقتصادی-اجتماعی، شرایط مهاجرت و محل زیست جغرافیایی با هم متفاوت هستند و این تفاوت‌ها تأثیر زیادی بر نحوه مشارکت سیاسی آنها دارد. اما اغلب دیگر جوامع مهاجر در آمریکا، ازجمله یهودیان نیز کم‌وبیش با مشکلات مشابهی مواجه هستند. برخی از مسلمانان از نسل قبل با اشاره به تفکیک دارالسلام و دارالکفر در اسلام معتقد بودند که مشارکت در نظام‌های سیاسی غیراسلامی حرام یا مکروه است و ادغام و مشارکت سیاسی در جوامع غربی را برای مسلمانان خطرناک می‌دانستند. دلیل دیگر بی‌اعتقادی و ناباوری مسلمانان در آمریکا نسبت به مفید و اثربخش‌بودن فعالیت‌های سیاسی از کانال‌های معمول و مرسوم در دموکراسی‌های غربی است. شرایط خاص در کشورهای عربی و اسلامی که بذر بی‌اطلاعی و بی‌اعتمادی نسبت به نهادی‌های مدنی را رشد می‌دهد، ظاهرا در محیط جدید نیز غالبا تسلط خود را بر ذهن مهاجرین حفظ می‌کند. به عبارت دیگر، اعراب و مسلمانانی که به کشورهای غربی مهاجرت کرده‌اند، همچنان حتی بعد از دو، سه نسل حامل ویروس بی‌تفاوتی و لاقیدی نسبت به فعالیت‌های مدنی و سیاسی در محیط جدید هستند. دلیل دیگر، تصورات و برداشتی عامیانه از سیاست و حکومت در دموکراسی‌ها و قدرت یهود در آمریکاست؛ تصوراتی که حاصل بی‌توجهی به شرایط عینی و واقعی جامعه میزبان بوده و نتیجه‌ای جز غلبه انواع تئوری‌های توطئه، تقدیرگرایی، یأس و تسلیم در برابر آنچه «ناشناخته» و «مرموز» و ناشی از قدرت نامحدود بازیگران ناپیدا پنداشته می‌شود، نداشته است (ر.ک مقاله نویسنده: قدرت یهود در آمریکا: از اسطوره تا واقعیت، راهبرد، شماره ۲۵، پاییز ۱۳۸۱).

در چنین شرایطی، در سال ۱۹۸۲ برای اولین بار یک تشکل با نام «مسلمانان متحد آمریکا» (UMA) ایجاد شد و ازجمله بر آموختن روندهای سیاسی، مطلع‌کردن مسلمانان و تشویق آنها به رأی‌دادن و مشارکت در نظام سیاسی متمرکز شد. شورای امور سیاسی مسلمانان (MPAC) نیز در ۱۹۸۸ به وجود آمد و مبارزه با تبعیض و لابی‌گری در کنگره و دولت را هدف قرار داد. حادثه حمله به برج‌های دوقلو در نیویورک در ۲۰۰۱ از آن جهت که به موج اسلام‌هراسی دامن زد، تحول مهمی بود که موجب فعالیت بیشتر مسلمانان با هدف مقابله با کلیشه‌ها و نفرت دینی و اعتلای مشارکت شد. برخی نیز با تبلیغ ضرورت الگوگرفتن از حضرت رسول(ص) در مدینه که در آن هیچ مسلمانی حضور نداشت و... و با این هدف که کنگره و دولت را در مورد واقعیت اسلام مطلع کنند، شروع کردند.

ادامه در صفحه ۵

از فیلترینگ و قطعی‌های مکرر اینترنت در داخل تا تحریم‌ها و تعلیق دامنه‌های بین‌المللی در خارج

حذف کسب‌وکار ایرانی از اینترنت

سونیتا سراب‌پور: هنوز زخمی که سه بار قطعی اینترنت در سال ۱۴۰۴ و تداوم قطعی در سال ۱۴۰۵ بر بدن رنجور کسب‌وکارهای ایرانی گذاشته، ترمیم نشده که محدودیتی تازه از راه رسیده است؛ این بار نه از داخل مرزها و نه با تصمیمی برای فیلترکردن یک سرویس یا قطعی سراسری اینترنت، بلکه از نقطه‌ای دورتر؛ از سوی شرکت‌های زیرساخت جهانی اینترنت. دامنه بین‌المللی چند وب‌سایت شناخته‌شده ایرانی، از ورزش‌سه و تترلند تا ویرگول و هوشا و پلتفرم شیدا، در روزهای اخیر از دسترس خارج شده یا با اختلال مواجه بوده‌اند. اتفاقی که در نگاه اول ممکن است فقط تغییر یک نشانی اینترنتی به نظر برسد، اما برای کسب‌وکاری که سال‌ها مخاطب جمع کرده، در موتورهای جست‌وجو جایگاه ساخته و خدماتش را بر بستر یک دامنه شناخته‌شده توسعه داده است، می‌تواند به معنای ازدست‌دادن بخشی از دارایی دیجیتال خود باشد. اما آنچه در این میان کمتر دیده می‌شود، موقعیت دوگانه کسب‌وکار ایرانی است؛ کسب‌وکاری که از یک سو در داخل کشور باید با فیلترینگ، محدودیت دسترسی، اختلال و قطعی اینترنت و دشواری ارتباط با بازار جهانی کنار بیاید و از سوی دیگر، برای ادامه فعالیت با همان اینترنت محدودشده، به زیرساخت‌هایی وابسته است که کنترل آنها در خارج از کشور است. حالا دامنه هم به فهرست نقاط آسیب‌پذیر این کسب‌وکارها اضافه شده است. ماجرا از شنبه ۱۶ آبان و با اعلام اختلال در دامنه بین‌المللی ورزش‌سه و تترلند جدی شد. این دو مجموعه اعلام کردند کاربران می‌توانند از طریق دامنه‌های ایرانی به خدمات آنها دسترسی داشته باشند. پس از آن، خبر اختلال دامنه هوشا و مسدودشدن دامنه بین‌المللی ویرگول نیز منتشر شد.

گزارش تیتر یک را در صفحه ۶ بخوانید

ریشه‌های اقتصادی اعتراضات فرانسه از نگاه توماس پیکتی، اقتصاددان
وقتی سرمایه‌گذاری ناکافی در آموزش عمومی بحران می‌آفریند

غروب مکرونیسم

صفحه ۳



«دروازه آهنین» و آرایش تازه قدرت در منطقه
گفت‌وگو با ژند شکیبی درباره معادلات تهران، مسکو و واشینگتن

جبهه تازه در خزر

این گفت‌وگو را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: سهند تاکی، شرق

یادداشت

پکن بر سر دوراهی

تأثیر جنگ خاورمیانه بر سیاست خارجی چین



محمدحسین عمادی

مدرس دانشگاه‌های چین

جنگ و تحولات پرشتاب خاورمیانه، علاوه بر تغییر موازنه قدرت در منطقه، پیامدهای مهمی برای معادلات قدرت جهانی داشته است. توجه اصلی این پیامدها تاکنون بر تضعیف جایگاه آمریکا، اروپا و قدرت‌های منطقه‌ای محدود بوده، اما به نظر می‌رسد سیاست خارجی چین نیز از این رویداد متأثر شده است. در شرایطی که پکن در چند دهه گذشته کوشیده است با «صبر استراتژیک»، حفظ فاصله از منازعات سیاسی و نظامی، منافع اقتصادی و تجاری خود را در مناطق مختلف جهان در اولویت قرار داده و آن را گسترش دهد، تحولات اخیر خاورمیانه این راهبرد دیرینه را نیز با آزمونی جدی مواجه کرده است. تحولاتی که در برخی تحلیل‌های جدید منعکس می‌شود، همراه با مشاهدات میدانی نویسنده، نشانه‌ای از تغییر تدریجی در موازنه میان دو سنت مسلط فکری و سیاسی در ساختار قدرت چین است؛ «سنت مائوئیستی» با تأکید بر مبارزه با امپریالیسم و همبستگی با جنبش‌های رهایی‌بخش و «سنت دنگیستی» (دوران دنگ شیائوپینگ) با اولویت‌دادن به رشد و توسعه اقتصادی، تجارت جهانی و اجتناب از تقابل مستقیم با نظم مسلط و قدرت‌های بزرگ. این تحول هرچند آرام آغاز شده اما در صورت تحقق می‌تواند یکی از مهم‌ترین تغییرات بر سوگیری‌های ژئوپلیتیک در سیاست خارجی چین طی چند دهه اخیر باشد.

۱. بازگشت مائوئیسم مدرن؛ ظهور یک نسل جدید با ظاهری مدرن و تفکری رادیکال: یکی از بارزترین جلوه‌های این چرخش در صحنه افکار عمومی چین، انعکاس گسترده موضع‌گیری رادیکال جوانان این کشور در فضای مجازی علیه اسرائیل و آمریکا و به نفع مردم غزه و مواضع ایران است. این گرایش به صورت وسیع در میان دانشجویان چینی نیز به عیان قابل مشاهده است. این تغییر به‌طور محافظه‌کارانه‌ای از سوی دولت چین نیز اتخاذ شد. سیستم رسمی و دستگاه دیپلماسی چین نیز که بعد از جنگ ۱۲روزه، سقوط نظام اسد و تضعیف محور مقاومت به محاق رفته و جانب احتیاط گرفته بود، پس از جنگ ۴۰روزه به وضوح تغییر مواضع داده و صریح‌تر علیه مداخلات و تحریم‌های آمریکا در منطقه اعلام موضع کرده و در سازمان ملل نیز نقش مؤثرتری در دفاع از ایران ایفا کرد. تغییری که بی‌شک هم تحت تأثیر ثبات و قدرت‌نمایی ایران در میدان بود و هم درک حساسیت و جانبداری مردم در فضای مجازی. اما این تغییر از یک خاستگاه نظری و تاریخی نیز برخوردار است که می‌تواند به درک و شناخت پیامدهای آن کمک کند. برای درک این پدیده، به تفاوت تاریخی دو دوره تاریخی و راهبردی در چین باید توجه کرد. در دوران مائو تسه‌تونگ، سیاست خارجی چین بر مبنای مبارزه با استعمار، مخالفت با سلطه قدرت‌های غربی و حمایت از جنبش‌های استقلال‌طلب و رهایی‌بخش شکل گرفته بود. حمایت از آرمان فلسطین و جنبش‌های ضداستعماری در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین نیز در همین چارچوب قرار داشت. اما با آغاز اصلاحات اقتصادی دنگ شیائوپینگ، اولویت‌های چین تغییر کرد؛ توسعه اقتصادی، جذب سرمایه و فناوری خارجی، گسترش صادرات و ادغام در اقتصاد جهانی، به محور اصلی سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور تبدیل شد. این تغییر، اگرچه زمینه‌ساز رشد اقتصادی کم‌نظیر چین بود، ولی به تدریج نوعی محافظه‌کاری ساختاری در سیاست خارجی این کشور نیز ایجاد کرد؛ به‌گونه‌ای که پکن ترجیح داد حتی در مواجهه با بحران‌های بین‌المللی، از تقابل مستقیم با آمریکا و متحدانش پرهیز کند. اکنون به نظر می‌رسد بخشی از نسل جدید چین در حال بازنگری در این رویکرد است.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

نشست تهران؛ بازتعریف معماری امنیتی در خاورمیانه



اردوان امیراصلانی

مقامات عالی‌رتبه چهار قدرت بزرگ مسلمان در خاورمیانه شامل ایران، عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان در ۲۶ اکتبر گذشته در تهران گردهم آمدند. در این نشست، سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، خالد بن‌سلمان، وزیر دفاع عربستان سعودی، ابراهیم کالین، رئیس سازمان اطلاعات ترکیه و ژنرال عاصم منیر، رئیس ستاد مشترک ارتش پاکستان حضور داشتند. این نشست که ماهیتی شبیه به «نشست سران» داشت، در حالی برگزار شد که جنبش انصارالله، متحد تهران، از طریق حملات موشکی و پهپادی، اقتصاد عربستان سعودی را با فلج‌کردن مسیرهای تجاری تحت فشار قرار داده بود. اگرچه هیچ توافق مکتوب و مشخصی امضا نشد، اما بیانیه مشترک شرکت‌کنندگان تکرار این قالب دیپلماتیک را پیش‌بینی کرده است. طبق گفته منابع ایرانی، شرکت‌کنندگان به این توافق رسیدند که امنیت منطقه باید توسط خودِ کشورهای منطقه تأمین شود؛ پیامی که به وضوح بر پایان دوران اتکای کشورهای حوزه خلیج فارس و بیش از همه عربستان سعودی به ایالات متحده به‌عنوان مرجع نخست امنیتی تأکید دارد.

چرخش استراتژیک ریاض: عربستان سعودی پس از دهه‌ها رقابت و با وجود حملات متحد حوثی‌ها، مسیر گفت‌وگوی مستقیم با ایران را برگزیده است. عدم تمایل متحدان سنتی ریاض برای مداخله و حمایت، دلیل اصلی این نزدیکی است. در وهله نخست، ایالات متحده را به درخواست عربستان مبنی بر حمله مستقیم به حوثی‌ها در یمن خودداری کرد. از زمان دیدار روزولت و ملک عبدالعزیز در عرشه ناو USS Quincy در سال ۱۹۴۵، دو کشور با پیمانی پیوند خورده‌اند که بر اساس آن واشینگتن امنیت پادشاهی را تضمین می‌کند و در مقابل به نفت آن دسترسی اولویت‌دار خواهد داشت. اما رشد تولید انرژی در آمریکا و رسیدن این کشور به جایگاه صادرکننده خالص نفت در سال ۲۰۲۰، اهمیت استراتژیک نفت عربستان را برای واشینگتن کاهش داده است. با این حال، ایالات متحده همچنان در برابر نوسانات قیمت جهانی آسیب‌پذیر است. طبق نظرسنجی مؤسسه گالوپ در اکتبر ۲۰۲۶، حدود ۴۲ درصد از رأی‌دهندگان آمریکایی قیمت سوخت را عاملی بسیار حیاتی در تصمیم‌گیری‌های انتخاباتی خود می‌دانند. این موضوع در انتخابات میان‌دوره‌ای سوم نوامبر گذشته نیز با گرایش اکثریت به سوی دموکرات‌ها در هر دو مجلس سنا و کنگره خود را نشان داد. عربستان با درک بی‌میلی آمریکا و ناتوانی واشینگتن در مدیریت هم‌زمان تنش‌ها در ایران و یمن، در آگوست ۲۰۲۶ «توافق دفاعی مکه» را با ترکیه و پاکستان منعقد کرد. با این حال، این دو کشور نیز از مداخله علیه حوثی‌ها ابا دارند. برخی این اتحاد را تلاشی از سوی قدرت‌های سنی برای محاصره ایرانِ شیعه قلمداد کرده‌اند، اما نشست تهران این تحلیل را تضعیف می‌کند؛ چراکه «توافق مکه» می‌تواند برخلاف این تصور، پیش‌درآمدی بر یک معماری دفاعی جدید باشد که بر پایه چهار قدرت بزرگ مسلمان منطقه استوار است. آیا ریاض چاره‌ای جز گفت‌وگو با تهران دارد؟ آموخته‌های هفته‌های اخیر بر این واقعیت صحه می‌گذارند که پاسخ مثبت است. ایران با پاسخ به حملات آمریکا و اسرائیل و انجام حملات تلافی‌گرانه علیه پایگاه‌های آمریکایی در کشورهای حوزه خلیج فارس، قصد داشت ناکارآمدی حفاظت از سوی واشینگتن را به نمایش بگذارد. به نظر می‌رسد ناتوانی آمریکا در جلوگیری از این حملات، همراه با نقش این کشور در شعله‌ورکردن تنش‌ها، یک شوک سیاسی ایجاد کرده است. اکنون تک‌سالارهای نفتی منطقه و در رأس آنها ریاض، ناگزیر به بازشناخت جایگاه محوری ایران در امنیت منطقه هستند.

به سوی معماری جدید دفاعی در منطقه: پس از جنگ کنونی که پیامدهای آن همچنان نامشخص است، معماری امنیتی جدیدی باید ظهور کند. در حالی که احتمال حمله گسترده دونالد ترامپ به ایران همچنان وجود دارد، چهار درس مهم از ماه‌های اخیر استنباط می‌شود:

۱. تاب‌آوری جمهوری اسلامی: توانایی ایران در مسدودکردن تنگه هرمز و اعمال نفوذ از طریق متحدان خود، وزن منطقه‌ای آن را افزایش داده و همسایگان را به جست‌وجوی قالب‌های جدیدی برای گفت‌وگو و همکاری واداشته است.

۲. تغییر در متحدان عربستان: عربستان سعودی به این نکته پی برد که اتحاد با آمریکا قادر به حفاظت او در برابر جنگ نیست و اکنون در تلاش است تا بیش از پیش برای تأمین امنیت خود بر کشورهای منطقه تکیه کند.

۳. فرارفتن از تقابل مذهبی: رقابت میان عربستان سعودی سنی و ایران شیعه، یک «سرنوشت اجتناب‌ناپذیر» نیست. نزدیکی آغازشده در سال ۲۰۲۳ تحت نظارت و میانجیگری چین نشان داد که این دو کشور در صورت هم‌گرایی منافع، قادر به گفت‌وگو و دستیابی به تفاهم هستند.

۴. نقش چین در بازآرایی منطقه: چین که مصرف‌کننده نزدیک به ۴۰ درصد از تولید نفت حوزه خلیج فارس است، از این تلاش‌ها برای ایجاد یک معماری دفاعی مستقل و منطقه‌ای استقبال می‌کند. به نظر می‌رسد در صورت به نتیجه رسیدن این اقدامات، پکن در مقایسه با اروپایی‌های امروزی که از مدیریت اوضاع بازمانده‌اند، در جایگاه بسیار مطلوب‌تری برای همراهی با این بازآرایی ساختاری قرار دارد.

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از وعده درمان قطعی اتیسم لکنت و فلج مغزی یک مرکز که با برهنه‌کردن افراد کتک‌زدن و آسیب‌های روانی همراه است

ادعای درمان با چوبِ تر

۵

در آستانه مذاکرات ابوظبی، ترامپ از احتمال توافقی فراتر از اوکراین با روسیه سخن گفت

معامله بر سر اروپا؟

۴

بررسی دهه‌ها ناترازی منابع و مصارف آب و راهکارهای آن

بارش‌ها مرهم بحران آب نیست

۳

به مناسبت ۱۸ آبان
صدوپنجاهمین زادروز ایرانی‌ترین غیرایرانی

مفهوم فره‌وشی در محوری‌ترین اندیشه اقبال

۷

نگاه

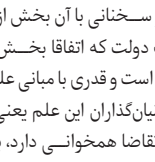
اینترنت؛ میدان اعتماد یا قلمرو کنترل؟

یادداشتی از قادر باستانی‌تبریزی

۸

یادداشت

اقتصاد بین دو لبه قیچی



حسین حقگو

کارشناس اقتصادی

اقتصاد ایران از دو سو تحت فشار سخت و شدید است؛ یک سو محاصره، تحریم، فضای جنگ-صلح و تهدیدات هرروزه نظامی و سوی دیگر اغتشاش فکری و فقدان عقلانیت حداقلی در افراد و جریان‌ها و بخشی از نظام بوروکراتیک و تصمیم‌سازی؛ چنان‌که دکتر طبیبیان، اقتصاددان برجسته کشورمان، اخیرا در گفت‌وگویی به این پرسش که آیا می‌شود بدون نفت کشور را اداره کرد، پاسخ مثبت می‌دهد و می‌افزاید: «مملکت را بدون نفت می‌شود اداره کرد؛ کمااینکه کشورهای ژاپن، کره جنوبی، ویتنام، سنگاپور و مالزی چنین کرده‌اند، اما کشور را بدون عقل نمی‌شود اداره کرد». منظور ایشان از عقل چنان‌که عنوان می‌کنند، «علم» است و اداره امور کشور بر اساس اصول علمی و نه «حرف‌های انشاوار و غلوآمیز زدن، شعاردادن و اظهارنظرهای احساسی» (اعتماد- ۱۴۰۵/۸/۱۲). دو نماینده شاخص اصولگرای مجلس اخیرا در مخالفت با دولت، در سخنانی با آن بخش از سیاست‌ها و اقدامات دولت که اتفاقا بخش قابل دفاع عملکرد آن است و قدری با مبانی علمی اقتصاد و نظریات بنیان‌گذاران این علم یعنی نظام بازار و عرضه و تقاضا همخوانی دارد، به مخالفت برخاسته و یکی از آنها حتی تا ارائه طرح استیضاح رئیس دولت نیز پیش رفته است. این نماینده معتقد است: «سیاست‌هایی که اتخاذ می‌شود، این است که ارز کالاها را گران می‌کنند و قیمت را به بازار آزاد می‌سپارند و این یعنی گران‌سازی کالاها و رئیس‌جمهور هم به موضوع اشراف ندارد» (حسین صمصامی- ۸/۱۶) و نماینده تندرو دیگر نیز تقریبا همین سخنان را تکرار کرده و البته راهکاری هم به باور خود برای حل مسئله ارائه می‌دهد: «دولت پزشکیان اعتقادی به کنترل قیمت دلار ندارد و برای همین خروجی تصمیمات اقتصادی‌اش گران‌سازی است و همین باعث بسیاری از مشکلات جامعه مثل نوسان قیمت‌هاست و...

ادامه در صفحه ۶